

ایران فرهنگی

«سهم دانش فقه در حل مسائل جامعه» در گفت‌وگو با دکتر احمد رهدار (رئیس گروه فقه مضاف دانشگاه باقر العلوم)

کار ناتمام فقها

محمدقاسم فروغی دبیر علمی نوزدهمین دوره انتخاب بهترین کتاب سال دفاع مقدس در گفت‌وگو با «ایران»:

جشنواره کتاب سال دفاع مقدس در ایستگاه آخر

۱۹ صفحه

۱۸ صفحه



KHAMENEI.IR

«تیین استقلال در بیانیه گام دوم انقلاب» به مناسبت سومین سالگرد صدور این بیانیه

استقلال به معنی بستن درها نیست

دکتر ابراهیم متقی

رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دیگر فضای یک کشور نیست، اگر ما با عنوان یک کشور تعریف می‌شدیم شکننده بودیم. به چه دلیل امروز امریکا علیه ما اقدام نظامی نمی‌کند؟ به این دلیل که حزب‌الله می‌گوید، ما در هیچ منطقه‌ای بی طرف نخواهیم بود؛ یعنی اگر امریکایی‌ها، ایران را هدف بگیرند، در منطقه هم اسرائیل و هم بسیاری از بازیگران دیگر هدف قرار می‌گیرند.

بحث استقلال با «نظریه سولایبرتی» (انسجام) پیوند پیدا می‌کند، یعنی انگاره جدیدی معنا می‌یابد و در این انگاره، حفظ ام‌القرآ با بقا و توانمندی بازیگری که در حاشیه است، ارتباط پیدا می‌کند؛ به هر اندازه که کشوری نتواند حاشیه خود را قوی‌تر کند موقعیت خود را قوی‌تر کرده است.

متأسفانه، ما با قالب‌های بیانیه گام دوم که تمدنی است، عمیق و شناخت‌شناسانه برخورد نمی‌کنیم. در نتیجه استقلال را در یک فضای تئوریک و تحلیلی ارائه می‌دهیم که فکر می‌کنیم استقلال یعنی اینکه درها را ببندیم و به بیرون کاری نداشته باشیم و اتفاقاً این مسئله به معنای نابودی خودمان است. به این دلیل که در گام دوم موضوع «هویتی» و «تمدنی» است که انگاره‌های قدرت و سیاست را به فضای اجتماعی می‌برد که این محیط اجتماعی می‌تواند از مرزهای کشور عبور کند.

امروز مبنای اندیشه اسلامی مبتنی بر انقلاب اسلامی در داخل کشور، آفت‌های زیادی را تجربه می‌کند اما در محیط پیرامونی با یک نوع یوپیایی قوی در حال توسعه است، به‌عنوان مثال هیجان چهل و سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بیش از آنکه در ایران بالا باشد در لبنان، یمن و عراق مورد توجه است.

پس بحث اصلی این است که بتوانیم انگاره‌های استقلال را به فضای تمدنی ببریم که ماهیت چندجانبه دارد. سپس یک مجموعه تشکیل دهیم. همان‌طور که جهان غرب مجموعه‌ای تشکیل داده و توانسته فضایی را تعریف کند و قالب‌هایی را شکل دهد که بر اساس آن فضا و قالب‌ها، زمینه‌هایی برای همبستگی فراهم شده است. امریکایی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها به لحاظ تمدنی تعارض دارند، اما با هم بسیار همبسته هستند، چون خود را بخشی از جهان غرب می‌دانند.

مسئله مهم این است که بدانیم تقسیم‌بندی ما از مزایای قدرت چگونه است. بنابراین، به همان صورتی که جهان غرب همبسته است جمهوری اسلامی هم ناچار است فضای مربوط به همبستگی خود را بازتعریف کند. هویت و موجودیتش را با متحدان و پیرامونش تبیین کند و ارتباط مستقیم با آنان را مد نظر قرار دهد.

بخشی از فضای ارتباطی ما را مجموعه‌های فرهنگی، هویتی، تمدنی و جبهه مقاومت تشکیل می‌دهد، اما بخش دیگری هم وجود دارد که نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم و مربوط به حوزه ارتباطی ما است و باید کنش‌مان را به گونه‌ای شکل دهیم که مشکلات اقتصادی، مانع ارتباط‌مان با محیط مقاومت نشود. باید بتوانیم بازدهی اقتصادی داشته باشیم و موقعیت خودمان را بازتولید کنیم.

اگر این کار انجام نشود طبیعتاً قابلیت‌های ما به گونه مشهودی کاهش پیدا می‌کند، نه می‌توانیم استقلال را شکل دهیم و نه قالب‌های تمدن‌سازی را طراحی

کنیم. پس در فضای بیانیه گام دوم انقلاب، مهم‌ترین مسأله‌ای که وجود دارد بحث «توسعه قدرت» و «چندجانبه‌گرایی» است. تفسیر برخی از تحلیلگران از این موضوع «تفسیری ایستایی» است و معتقدند بعد از بازگشت آقای ابراهیم رئیسی از سفر اخیرش به مسکو باید شعار سر در وزارت خارجه «نه شرقی، نه غربی» را تغییر دهیم، چون این شعار مربوط به ساختار دوقطبی بود، اما وقتی ساختار به موازنه قدرت تبدیل شد ما هم باید سیاست‌هایمان را در چهارچوب موازنه قدرت تعریف کنیم.

در وضعیت موازنه قدرت، «نه شرقی، نه غربی» نمی‌تواند زمینه‌ای را برای دستیابی به استقلال فراهم کند. به همین دلیل است که ما دنبال قرارداد اقتصادی با چین هستیم، اما این کار هم چالش‌های خاص خود را دارد. یکی از این چالش‌ها این است که تا برجام تصویب نشود، این قرارداد شروع نمی‌شود. استقلال به این معنا است که باید بتوانیم عناصر تحقق استقلال را شکل دهیم. اولین بایسته این مهم «خودکفایی» است. خودکفایی همان بحثی است که رهبر معظم انقلاب سال‌ها تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» یا «نگاه به درون» ما را به آن توجه داده‌اند، اما این نگاه به درون، یک درون چندبعدی است. عراق، سوریه، یمن، لبنان می‌توانند به‌عنوان بخشی از درون ما تلقی



ما با قالب‌های بیانیه گام دوم که «تمدنی» است، عمیق و شناخت‌شناسانه برخورد نمی‌کنیم. در نتیجه فکر می‌کنیم استقلال یعنی اینکه درها را ببندیم و به بیرون کاری نداشته باشیم و اتفاقاً این مسأله به معنای نابودی خودمان است. به این دلیل که در گام دوم موضوع «هویتی» و «تمدنی» است که انگاره‌های قدرت و سیاست را به فضای اجتماعی می‌برد که این محیط اجتماعی می‌تواند از مرزهای کشور عبور کند.

باید بدانیم که آیا ما امروز استقلال را در قالب اندیشه‌های انقلابی گام اول یا اندیشه‌های انقلابی گام دوم تعریف می‌کنیم؟ اگر تعریف ما از استقلال بر اساس گام اول انقلاب باشد کنش ارتباطی‌مان با بسیاری از کشورهای دیگر باید محدود شود، ولی اگر بخواهیم در قالب گام دوم یعنی «تمدن‌سازی» حرکت کنیم، باید بین «استقلال ملی» و «تمدن‌سازی» پیوند برقرار کنیم و در این فضا است که «بحث‌های هویتی» برجسته شده و معنا پیدا می‌کند؛ بدین معنا که بدانیم و تعریف کنیم که چه هستیم و چه نیستیم؟

«حافظه تاریخی» برای یک ملت

چه ضرورتی دارد؟



دکتر عادل بیخنام
استاد دانشگاه امام
صادق‌(ع) و عضو
شورای عالی انقلاب
فرهنگی

مهمترین مخاطب بیانیه گام دوم انقلاب «انسان انقلابی» است. ویژگی‌هایی که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب برای «انقلاب» برشمرده است را می‌توان به «انسان انقلابی» هم تعمیم داد. مقام معظم رهبری در این بیانیه تأکید می‌کنند که راه تحقق فلسفه دین از «جامعه‌سازی» می‌گذرد و در این جامعه‌سازی است که مفهوم «ولایت» معنا پیدا می‌کند. ما گاهی از ولایت درک محدود و نقطه‌ای داریم و آن را به یک فرد در رأس هرم جامعه محدود می‌کنیم، در حالی که رهبر معظم انقلاب، ولایت را یک «امر شبکه‌ای» معرفی می‌کنند که در بهم پیوند دادن انسان‌ها برای رسیدن به یک جبهه واحد نقش اساسی دارد.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، بالغ بر ۳۳ صفت برای انقلاب اسلامی ایران برمی‌شمارند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: انقلاب اهل افراط و پرحوری نیست؛ در برابر روزگوبان و گردن‌کشان صراحت و شجاعت داشته است؛ تنها نظامی است که بدون وابستگی به زر و زور صحبت می‌کند؛ دفاع از مستضعفان و مظلومان را سرلوحه کار خود قرار داده است؛ در برخورد با دشمنان خود و غافلان داخلی، جوانمردی و مروت انقلابی دارد؛ اهل صداقت و صراحت است؛ مردمی‌ترین انقلاب است؛ مظلوم هست اما ظلم‌پذیر نیست؛ انقلاب فاقد احساس و ادراک نبوده و زنده است؛ با اراده و فعال است؛ محکم و غیرمردد است؛ دارای انعطاف است؛ آماده تصحیح خطاها است؛ متحجر نیست؛ آغازگر عصر جدید است و... بنابراین «انسان انقلابی» هم از چنین صفاتی بی‌بهره نخواهد بود.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب بر فراموش گذشته تأکید دارند؛ بدین معنا که آنچه بوده‌ایم و آنچه تاکنون شده‌ایم، فراموش نکنیم. براساس این تعریف، «انسان انقلابی» انسانی است که «حافظه تاریخی» دارد و نباید مسیری که طی کرده فراموش کند و به دلیل اهمیت این حافظه تاریخی است که بخش زیادی از بیانیه گام دوم انقلاب، به روایت «گام نخست انقلاب» اختصاص یافته است.

به تعبیر مقام معظم رهبری، اگر دیگران تاریخ‌مان را برای ما روایت کنند عرصه را از دست می‌دهیم. بنابراین، نباید بگذاریم که «حافظه‌های تاریخی» پاک شوند. واقعیت این است که دشمن پیوسته می‌کوشد حافظه‌های تاریخی ما را با یکسری اطلاعات جعلی مخدوش کند. به همین دلیل از گذشته ما روایت‌های معکوس ارائه می‌کند تا یکسری رویدادهای غیرموجود را موجود جلوه دهد.

فارغ از موارد پیش گفته، اهمیت حفظ حافظه تاریخی، زمانی پررنگ‌تر می‌شود که این حافظه به «تصویری از آینده» متصل می‌شود که همان فرمانروایی مستضعفان بر زمین است. در این فضا «انسان انقلابی» با استناد به «حافظه تاریخی» می‌تواند تصویری از آینده مطلوبش ارائه دهد و به واسطه این تصویر مطلوب، از تهدیدها آگاهی یافته، از آنها نمی‌ترسد و مسیر را گم نمی‌کند.

به این اعتبار، می‌توان گفت انسان انقلابی «انسان روبرو آینده» است؛ به این معنا که علاوه بر اینکه حافظه تاریخی‌اش را از دست نداده است بلکه تصویری از آینده هم دارد. یکی از کارکردهای مهدویت این است که انسان دیندار برای آینده این جهان یک منزلگاه یابانی را تصور می‌کند. تمام ادیان به موعود باور دارند و تصویری از آن ارائه کرده‌اند؛ در حالی که انسان غیردیندار موعود ندارد؛ هرچند که ممکن است موعودهای ساختگی داشته باشد.

سال هاست امریکایی‌ها تحت عنوان «روایای امریکایی» در تلاش‌اند که برای مردم‌شان یک آینده مجعول بسازند. همان‌طور که «انسان کامل ندارند» و برای الگوسازی، شخصیت‌های ابرقهرمانی را برجسته می‌کنند، برای آینده موعود هم «روایا» ساخته‌اند. استفاده از واژه روایا در ادبیات آینده‌پژوهانه آنان، نشان می‌دهد که عمق خواسته آنها چیزی فراتر از خیال‌پردازی نیست، ولی آینده‌شناسی انسان دین‌مدار، آینده‌شناسی واقعی مبتنی بر حقایق قرآن است.

بیانیه گام دوم انقلاب تلاشی است برای اینکه به آینده فکر کنیم و در روزمرگی غرق نشویم. اگر مفهوم «انتظار» را همواره مدنظر قرار دهیم در روزمرگی گم نخواهیم شد، چون انتظار حسی است که باید هر لحظه در وجودمان احساس کنیم و برای آن لحظه خاص، آمادگی داشته باشیم.

در جریان آینده‌شناسی است که اساساً فرصت‌ها و تهدیدها شناخته می‌شود. در این فضا، انسان انقلابی به واسطه آینده‌شناسی که وارد می‌تواند با تهدیدهای ناشناس، پیش‌دستانه مقابله کند. بنابراین، بی‌تردید یکی از خروجی‌های این آینده‌شناسی «امیدواری» است.